

مطالعه تطبیقی در مدیریت؛

مقایسه شهرهای مدیریت از دیدگاه امام علی (ع)

مؤلفین :

محدثه منتظری

زین العابدین منتظری

سرشناسه	: منتظری، زین العابدین، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: مطالعه تطبیقی در مدیریت: مقایسه تئوری‌های مدیریت از دیدگاه امام علی (ع) / مولف زین العابدین منتظری، محدثه منتظری.
مشخصات نشر	: تهران: آذرین مهر،
مشخصات ظاهری	: ۳۰۰ ص: جدول، نمودار.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۸۴-۳۶-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فـا
عنوان دیگر	: مقایسه دینی مدیریت با دیدگاه امام علی (ع).
موضوع	: مدیریت اسلامی (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- نظریه درباره مدیریت
موضوع	: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. ، نهج البلاغه -- مدیریت
موضوع	: مدیریت
موضوع	: مدیریت (اسلام)
شناسه افزوده	: منتظری، محدثه، ۱۳۵۹ -
رده بندی کنگره	: ۳۷VHD / ۷۶م۲ ۱۳۹۱
رده بندی دیویی	: ۶۵۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۸۰۳۲۰۸

کلیه حقوق چاپ و نشر برای
انتشارات آذرین مهر محفوظ می باشد.



عنوان کتاب : مطالعه تطبیقی در مدیریت: مقایسه تئوری‌های مدیریت از دیدگاه امام علی (ع)

مترجمان : محدثه منتظری، زین العابدین منتظری

ناشر : آذرین مهر

ناظر فنی چاپ : موسی مفاخری

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۸۴-۳۶-۵

نوبت چاپ : اول ۱۳۹۵

قیمت : ۲۰۰۰۰ تومان

تیراژ : ۱۱۰۰

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	مقدمه
۱۱	پیش درآمد
۲۹	بخش اول: جنبش های عمده در شکل گیری تفکر مدیریت
۲۹	فصل اول: تعاریف مدیریت و اهمیت و ضرورت آن
۳۰	- ریشه و معنای لغوی مدیر و مدیریت
۳۰	- تعاریف مدیریت
۳۴	- تعاریف سازمان
۳۵	- اقسام سازمان
۳۸	- تفاوت بین سازمانهای رسمی و سازمانهای غیررسمی
۵۲	- تفاوت بین مدیریت و رهبری
۵۴	- مهارتهای مدیران
۵۶	- عوامل مؤثر در موفقیت مدیریت
۵۹	فصل دوم: سیر رشد و تحول تئوری مدیریت :
۶۲	سیر رشد و تحول تئوری های مدیریت
۷۳	الف-مدیریت علمی :
۷۴	- ویژگیهای مدیریت علمی
۷۵	- اصول مدیریت علمی تیلولر
۷۸	- محدودیتهای مدیریت علمی
۸۱	- وجوه مشترک نظریات تیلولر و فایول
۸۱	- محدودیتهای نظریه کلاسیک
۱۰۹	- نتایج مثبت و منفی بوروکراسی
۱۰۹	- تطبیق تئوری کلاسیک در کلام امام علی (ع)
۱۲۱	نهضت روابط انسانی (تئوری نئوکلاسیک)
۱۲۱	- تاریخچه نهضت روابط انسانی و اهمیت آن در مدیریت
۱۲۸	- نهضت نئودوستی صنعتی
۱۲۹	- تئوری X و Y مگ گریگور
۱۳۳	- تئوری رشد یافتگی و رشد نیافتگی گریس آر گریس
۱۳۵	- تئوری انگیزش بهداشت هرزبرگ
۱۳۶	- تئوری سلسله مراتب نیازهای ابراهام مزلو
۱۳۹	- مقایسه تئوری کلاسیک با تئوری نئوکلاسیک
۱۴۲	- مناسبات روابط انسانی از دیدگاه امام علی (ع)
۱۵۸	نظریه سیستمی
۱۶۰	- تعاریف سیستم
۱۶۱	- انواع سیستم
۱۶۱	- ویژگیهای سیستمهای باز
۱۶۲	- ویژگیهای نظریه نوین (سیستمها)

۱۶۴	- انتقادات بر نظریه مدیریت سیستمی
۱۶۵	- دیدگاه سیستمی در نهج البلاغه
۱۷۴	- خصوصیات مدیریت ماشینی (کلاسیک) و مدیریت زنده (رفتاری)
۱۷۶	- مهمترین تفاوت‌های بین سازمانهای ماشینی و زنده
۱۷۸	- شیوه مدیریت اقتضائی در سه دوران بر افتخار امیر المؤمنین امام علی (ع) :
۱۷۸	دوران سازندگی (عهد پیامبر (ص))
۱۷۸	دوران سکوت یا چشم پوشی در راه هدف (بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص)
۱۸۲	دوران فرمانروائی
۱۸۵	بخش دوم: عناصر مدیریت از دیدگاه مکاتب علمی و مقایسه آن با دیدگاه امام علی (ع)
۱۸۵	فصل سوم : برنامه ریزی :
۱۸۷	- تعاریف برنامه ریزی
۱۸۹	- اهمیت برنامه ریزی
۱۹۰	- ویژگیهای برنامه ریزی
۱۹۱	- فرایند برنامه ریزی
۱۹۲	- مراحل مختلف فرایند برنامه ریزی جامع
۱۹۲	- موانع برنامه ریزی
۱۹۳	- اهمیت و ضرورت برنامه ریزی در دیدگاه امام علی (ع)
۱۹۸	- عوامل مؤثر در برنامه ریزی در دیدگاه امام علی (ع)
۲۰۳	- مراحل مختلف فرایند برنامه ریزی در دیدگاه امام علی (ع)
۲۰۹	فصل چهارم : تصمیم گیری و مشورت :
۲۱۰	- تعاریفی از تصمیم گیری
۲۱۰	- اهمیت تصمیم گیری
۲۱۱	- شرایط و موقعیتهای تصمیم گیری
۲۱۲	- فرایند تصمیم گیری
۲۱۴	- موانع تصمیم گیری
۲۱۴	- فاکتورهای مؤثر در تصمیم گیری
۲۱۷	- نتایج مشورت
۲۲۲	- آفات تصمیم گیری
۲۲۲	فصل پنجم : سازماندهی
۲۳۹	فصل ششم: ارتباطات
۲۵۳	فصل هفتم: رهبری
۲۸۳	فصل هشتم : انگیزش
۲۸۷	فصل نهم: کنترل و نظارت

مقدمه :

قرن اخیر را می توان عصر دانش و سرعت نامید و جوامعی که به دانش بها ندهند بی تردید زوال خواهند یافت. هر جامعه ای باید همزمان با تغییرات و دگرگونی هایی که در زمینه های مختلف علوم و دانش های تجربی به وقوع می پیوندد دانش خود را با آخرین تحولات البته با تکیه به فرهنگ و اعتقادات ملی همگام و هماهنگ نگه دارد و نیروهای متخصص و کار رزانی دانشور و با تقوا برای حل مشکلات خود تربیت کند.

یکی از دانشهای بن شمار عصر حاضر که همه دولتها به آن توجه دارند، علم مدیریت است که حیطه وسیعی یافته مانند علوم دیگر قابل تعلیم و تعلم است. این دانش دارای زبانی ویژه و فرهنگی مستقل است. باز کنونی ایران اسلامی به علم مدیریت برای تنظیم و پیشبرد آرمانهای مقدس اسلام کمتر از نیاز به علوم دیگر نیست بویژه در زمانی که همه نیروهای اسلامی و علاقه مند ما برای یک جهش بزرگ بسیج شده اند.

مدیریت به مفهوم امروزی آن خاص قرون اخیر است. توسعه صنایع و پیدایش و گسترش سازمانهای مختلف مسابلی را بوجود آورده که حل و فصل آنها به دید علمی و نگاه مدیریتی نیاز داشت. بر همین مبنا امروز تحقیقات علمی در زمینه مدیریت بخش وسیعی از تحقیقات و مطالعات اجتماعی را به خود اختصاص داده است و دانشمندان پژوهشگران دانش مدیریت در برابر جهان نظریه های گوناگونی را با تکیه بر مشرب فکری خود پیشنهاد و ارائه کرده اند.

هر چند دانشمندان علم مدیریت در یکی دو قرن اخیر روشها و قاعده های این علم را تشریح کرده اند. اما در کتاب آسمانی و همچنین احادیث نبوی و وصایای ائمه هدی بویژه در رهنمود های ارزشمند مولای متقیان علی ابن ابیطالب (ع) اصول کلی مدیریت و رهبری مطرح شده است که نحوه هدایت و سرپرستی امت را ترسیم و مشخص می کند باتوجه به

گذشت چهارده قرن شواهدی را که از نهج البلاغه و احادیث و روایات استخراج شده با اصول علم مدیریت، تطبیق داشته و موید و مکمل یکدیگر می باشند. آنچه در این مختصر ذکر شده - و کار تفصیلی آن را امیدواریم اساتید برجسته حوزه و دانشگاه به سرانجام برسانند - مطالعه تطبیقی است در مدیریت که حاصل کار مشترک با برادر عزیزم زین العابدین منتظری و همکار فرهیخته و توانا در حوزه مدیریت اسلامی است، رویکرد ما در این کتاب این است، که با تکیه بر فرهنگ بومی و اسلامی آنگونه که امام علی (ع) سیمای مدیران و فاعل های مدیریتی را در آینه نهج البلاغه معرفی نموده است و تطبیق آن با یافته علمی روز و دیدگاه مکاتب مدیریتی دستمایه مناسبی در اختیار دانشجویان درس مدیریت اسلامی قرار گیرد. ضمن این که این مطالعه این کتاب برای تمامی علاقمندان در حوزه مدیریت خالی از لطف نخواهد بود. در پایان از تمامی صاحب نظران و استادان گرامی و محققین و دانشجویان تقاضا دارد ما را از راهمایه های خود در جهت تصحیح و رفع نواقص کتاب محروم نفرمائید. سپاسگزارم

محدثه منتظری

مریف کتاب و مدرس دانشگاه

پیش درآمد

در مقدمه مناسب خواهد بود قبل از پرداختن به موضوع و ارائه مطالعه تطبیقی که به کمک محقق گرامی سرکار خانم محدثه منتظری از مدرسین محترم دانشگاه پیام نور خراسان شمالی و دانشگاه آزاد اسلامی اسفراین انجام شده است بعنوان پیش درآمد نگاهی اجمالی به دیدگاه امام علی (ع) در باب مدیریت داشته باشیم.

از نظرگاه امام علی علیه السلام و نهج البلاغه شریفش که خود تالی قرآن مجید، و عصاره‌ای است از معارف و تعلیمات حیات بخش اسلام، همچنان که اراده لا یزال خداوندی و حاکمیت مطلق باری تعالی بر کلیه کائنات و در سراسر عالم وجود جاری و نافذ می‌باشد، این اراده بر جهان بی‌نیازی نیز که جزئی از جهان است حکمروائی تام دارد و بنا بر آیات مبارکات: **إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ الْحَقِّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ** و: **مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا لِلَّهِ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنَّ الْحُكْمَ** و یا مضامینی چون: **... ذَلِكَ بَأْنَهُ إِذَا دُعِيَ** و: **وَهُوَ الْقَاهِرُ رَزَّ وَجَهَهُ ... أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ** و ... حاکمیت تنها از آن خداوند است و فرمانروائی بر ذات پاک و اختصاص دارد که به منظور انتظام جوامع انسانی و هدایت و بهروزی فرزندان آدم و مجموعه قوانین و احکامی را از طریق وحی به پیامبران اولوالعزمش نازل فرموده و آئین حکمرانی را به آنان آموخته است، تا به یاری کتاب و میزان، پاسدار عدالت باشند، چنانکه رمایا :

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ. حاکمان به حق و والیان سزواره، در مکتب نهج البلاغه، پس از خداوند - احکم الحاکمین - پیامبرانند که به تعبیر حضرت علی (ع): «اصطفی سبحانه من ولده (آدم) انبیاء أخذ علی الوحی میثاقهم و علی تبلیغ الرِّسَالَةِ امانتهم». «خداوند متعال از میان فرزندان آدم علیه السلام پیامبرانی برگزید و از طریق وحی از ایشان برای تبلیغ رسالت و امانت، عهد و پیمان گرفت.» و پس از خاتم پیامبران (ص) ائمه هدی علیهم السلام هستند و در زمان غیبت امام

زمان (عج) نیز سرپرستی مردم و حکومت از آن والیان فقیه و علمای عادل و بصیری است که فکر و اراده‌شان کلا در جهت رضای خداوند و اجرای دقیق فرمانهای او و پاسداری از قوانین و حدود شرع مبین به کار می‌رود. این والیان راستین که در اصطلاح نهج البلاغه، «امیر مؤمنان» یا «امام» نام دارند، این است که: الإمام: یَحْلُ حلال الله و یَحْرُم حرام الله و یقیم حدود الله و یذب عن دین الله و یدعوا إلى سبیل ربّه بالحکمة و الموعظة الحسنه و الحجة البالغة الإمام: کالشَّمس الطالعة المجلّلة بنورها للعالم،... الإمام: السحاب الماطر و الغیث الهاطال و الشَّمس المضيئة و السماء الظلیلة و الأرض البسیطة و العین الغزيرة ...

الإمام: أمين الله فی خلقه و حجّته على عباده و خليفته فی بلاده و الدّاعی إلى الله و الذّابّ عن حرم الله. الإمام: المظهر من الذّیوب و المبرء عن العیوب، المخصوص بالعلم، الموسوم بالحلم، نظام الدّین و عزّ المسّلمین رعیة المنافقین و بوار الکافرین .

الإمام: واحد دهره، لا یدانیه أحد و له مثل و نظیر... «امام: روا و ناروا را مشخص و بیان می‌کند و حدود آنها را بر پا می‌دارد، و از آئین خداوندی پاسداری می‌نماید و با دانش و پند نیکو و برهان رسا، مردم را به راه خدا فرا می‌خواند .

امام: همانند آفتابی بر آینده و شکوهمند است که بر جهان پرتو افکند .

امام: چونان ابری است بارنده و بارانی سیل آسا و خورشیدی فروزنده در آسمانی سایه بخش و زمینی گسترده و چشمه‌ای است جوشنده... امام: امین خدای عزّ و جلّ است در میان خلق او و حجت پروردگار است بر بندگانش و جانشین اوست بر زمین و دعوت کننده به سوی خدا و حافظ حقوق الهی است .

امام: کسی است که از گناهان پاک و از عیوب برکنار و به دانش مخصوص و به حلم و بردباری موسوم است. او موجب نظم دین و عزت مسلمین و خشم منافقان و هلاک کافران است .

امام: یگانه روزگار خود است، کسی با او برابر نیست، و نظیر و مانندی ندارد...»

در سازمان جامعه اسلامی و نظام حکومتی که مورد تأیید نهج البلاغه می باشد، نوع ارتباط هیئت حاکمه با مردم، که سرپرستیشان با امام یا ولی فقیه دادگر و متقی است، از نوع رابطه شبان و رمه گوسفندان یا راعی و رعیت به مفهوم پست و ناپسندی که این کلمات تدریجا در زبان فارسی رواج یافته اند و خصوصا در نظام حکومتهای ستم شاهی و استبدادی بر آن تکیه شده است، ظنیر مضمونی که در این بیت آمده :

که او چرن شبان است و ما گوسفند دگر ما زمین، او سپهر بلند

و شبان برای پادشاه، و گوسفند برای مردم و نیز آسمان به جای فرمانروا و زمین برای رعیت به کار رفته، نیست بلکه نوع رابطه حکمران جامعه اسلامی با قاطبه مسلمانان، رابطه پدری مهربان و دلسوز، دانا و مسئول با فرزندان، و دیگر اعضای خانواده آنهاست: «الإمام الانیس الرفیق و الوالد الشفیق و الاخ الدتیی و الأم أبرة بالولد الصغیر...» امام، چونان همدمی است مهربان و پدری دلسوز و برادری اصلی (برابری و امی) و مادری دلسوز به فرزند کوچک خود زیرا در نوع رابطه چوپان با رمه که احباب مراقبت و هدایت و پاسداری گوسفندان از خطراتی چون سرما و گرما و گرگ، ملحوظ نظر شبان می باشد، وجوه افتراقی مانند: خردمندی و مالک الرقاب بودن چوپان و بی شعوری گوسفندان و سر در پیش و پوزه در زمین داشتن آنان و اسیروار به هر جهتی رانده شدن و بی زادگی گله و نظایر آن وجود دارد که، مالا این دو - یا حاکم و محکوم - را از هم جدا می کند. و بر این قیاس، در جامعه ای که حکومتش استبدادی است و حاکم به عنوان خدایگان و چوپان رمه ملت و در مقام سپهر بلند توجیه می شود و مردم به منزله گوسفند و در درجه فرودین زمین پست قرار می گیرد، طبعاً کلیه آحاد ملت در معرض استعمار حاکم، و محکوم تمایلات شخصی او واقع می شوند، در حالی که در نظام حکومت راستین اسلامی که

روابط هیئت حاکمه با مردم از نوع ارتباط پدر و فرزندی است، چون پدر و فرزندان، هر دو موجوداتی عاقل و مختار و آزاد بوده و توده مردمان «عیال الله» اند و مؤمنان برادران و خواهران یکدیگرند که إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ و کلا اعضای یک خانواده محسوب می‌شوند، لزوما طرز برخورد هیئت حاکمه با افراد ملت، مشفقانه، انسانی و شرافتمندانه است و به مصداق توصیه امام علی (ع) که فرمود: «و لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً» در چنین نظام اجتماعی، مردم آزاد و مستقل و متکی به خود پرورده می‌شوند و در پناه حکومت عادلانه الهی که خدمت‌گزار صدیق آنهاست، با برخورداری از موهبت برادری و تساوی حقوق و پشتوان عاطفی شعارهای اسلامی ارزنده‌ای نظیر: «الناس کلهم سواء كأسنان المشط» (همه مردم مانند دانه‌های یک شانه، از لحاظ حقوق برابر و مساوی‌اند) به زندگی سعادت‌مندانه‌ای که توأم با اطمینان به هیئت حاکمه است، می‌رسند.

مؤید وجود این نوع رابطه، میان مسلم جامعه اسلامی و مردم، توصیه‌های مستمری نظیر این عبارات است که حضرت علی (ع) ضمن نامه‌ها، خطبه‌ها و فرمانهای خود در نهج البلاغه به عاملان و استانداران خویش خاطرنشان فرموده است: «ثم تفقد من اموره ما يتفق والدان من ولدهما»

«به امور مردم همانند پدر و مادری که به وضع فرزندانشان رسیدگی می‌کنند، رسیدگی نما»

«و اشعر قلبك الرحمة للرعية والمحبّة لهم و اللطف بهم و لا تكونن سبعا ضاريا تغتنم أكلهم فإنهم صنفان: اما أخ لك في الدين، او نظير لك في الخلق، يفرط منهم الزلل و تعرض لهم العلل و يؤتى على أيديهم في العمد و الخطاء فأعطهم من عفوك و صفحك مثل الذي تحب أن يعطيك الله من عفوه و صفحه، فإنك فوقهم و والى الأمر عليك فوقك، و الله فوق من و لاك»

«دلت را سراپرده محبت توده مردم کن، بر آنان مهر ورز و با آنان نرم باش. مبدا که چون درنده‌ای شکار افکن به خونریختن آنان پردازی، چه آنان بر دو گروهند: یا در دین با تو برادرند یا در آفرینش با تو برابر، اما از آنان لغزش سر می‌زنند و بیماریهای روانی بر آنان عارض می‌گردد و خواه ناخواه به ناروا دست می‌زنند، پس آنسان که دوست می‌داری خدای بر تو ببخشاید و از گناهانت در گذرد، تو نیز بر آنان ببخشای و از خطاهایشان در گذر، چه تو زبردست و سرپرست آنانی و آن کس که ترا بر آنان فرمانروائی داده، زیر دست توست.»

«واعلم أنه ليس شيء بأعنى من حسن ظنّ راع برعيته من احسانه اليهم وتخفيفه المثلثات عليهم»

«بدان که هیچ چیز، حسن ظن فرمانبردار را به توده مردم چنان بر نمی‌انگیزد که احسان او به آنان و سبکبار ساختن آنان»

«فلا تشخص همك عنهم ولا تصغر خدك لهم و تفقد اور من لا يصل اليك منهم ممن تقتحمه العيون و تحقره الرجال. ففرغ لأولئك من أمل الخشعة والتواضع فليرفع اليك أمورهم ثم اعمل فيهم بالاعذار الى الله يوم تلقاه، فإن هؤلاء من بين الرعية احوج الى الانصاف من غيرهم وكل فاعذر الى الله في تأديته حقّه اليه و عهد اهل بيتك ذوى الرقة في السنّ ممن لاحيله له ولا ينصب للمساءلة نفسه»

و نباید که مردم را اندک مایه شماری و از نظر دور داری و روی از آنان بگردانی، حال آن گروه را که دستشان به دامان تو نمی‌رسد و مردم از آنان روی می‌گردانند و تحقیرشان می‌کنند، بازپرس، از معتمدان خویش، مردمی خدای ترس و فروتن به جستجوی کارشان برگزین تا احوالشان را به تو باز گویند، پس - آن گاه - درباره آنان چنان کن که روزی که به دیدار پروردگار سبحان می‌رسی، عذر توانی داشت .